

بی تابعیت ها !

مجادله وزیر اطلاعات دولت تدبیر و امید با دادستان کل کشور بر سر وجود یا عدم وجود مدیران دو تابعیتی در دولت، قرینه آن راننده شیرین عقلی است که در اتوبان خلاف جهت حرکت می کرد و وقتی از رادیو خودرواش شنید که مخبر می گوید: یه نفر دیوونه در اتوبان خلاف مسیر خودروها داره حرکت می کنه! از موضع تحیر و حق به جانبی گفت:

یه نفر دیوونه داره خلاف جهت حرکت می کنه؟! این همه دیوونه داره خلاف جهت حرکت می کنه!

آقای علوی (وزیر اطلاعات) نیز در حالی منکر وجود مدیران دو تابعیتی در کادر دولت می شوند که در نقطه مقابل ایشان آقای منتظری (دادستان کل کشور) ضمن گله از بی توجهی دولت نسبت به برکناری مدیران مزبور اظهار داشته اند:

خبر داریم برخی از مسئولان دو تابعیتی هستند و این خلاف قانون است ... دو تابعیتی به این معناست که در صورت بروز جرم، می تواند از کشور فرار کند ... چرا دولت با مسئولان دو تابعیتی برخورد نمی کند؟

هر چند دغدغه آقایان علوی و منتظری بر سر تصفیه بدنه دولت از مدیران دو تابعیتی در جای خود ما جور است اما مصیبت اصلی جای دیگری است و آقایان آدرس را اشتباه گرفته اند!

علی رغم باورداشت توأم با حُسن ظن آقایان اما واقعیت آن است که درد امروز بدنه مدیریتی کشور قبل از دو تابعیتی بودن برخی از مدیران، بی تابعیتی و بی شرافتی و بی وجدانی و بی حیثیتی و بی اصل و نسب و حرامزادگی ایشان است که به ایشان این اجازه را می دهد بدون تقید به هیچ تابعیت و ملیت و انسانیت و شرافتی دست در خزانه کشور ببرند و یا بموقع مانند محمودرضا خاوری فلنگ را ببندند و یا زبردستانه تر از خاوری بدون نیاز به فرار کردن با پوشش حقوق ها و املاک نجومی شکمبه های سیری ناپذیر خود را با مال و لقمه حرام و شبه ناک فربه کنند.

برخلاف باورداشت توأم با حُسن ظن آقایان علوی و منتظری در تجربه «خاوری» آنچه خاوری را در اختلاس و فرار بموقع از کشور یاری رساند دو تابعیتی نبود. بی تابعیتی و بی شرفی و رذالت و پستی و پُفیوزی

بود!

آقایان آنچنان از لزوم پاکسازی دولت از لوٹ وجود منحوس دو تابعیتی ها می نالند کآنه صدر تا ذیل مملکت توسط تک تابعیتی های وطن دوست و خدمتگذاری که بام تا شام هیچ دغدغه ای جز خدمت به خلق و رعیت ندارند بشکلی به اشغال در آمده که هرآئینه مملکت در شُرُف ترکیدن از برکت وجود این همه تک تابعیتی خدمتگذار است!؟

گیریم همه دو تابعیتی ها را از بدنه مدیریتی کشور سرند کردید در آن صورت بر این باورید الباقی خواهران و برادران «تک تابعیتی شاغل به خدمت در مملکت» مُنیرالناصیه و علیه السلامند!؟

مزید اطلاع مسئولین ارشد نظام معروض می دارد:

بالای 90 درصد ایرانیان مقیم ایالات متحده آمریکا برخلاف ماده ۹۸۹ قانون مدنی ایران مبنی بر ممنوعیت اخذ تابعیت خارجی در کمال بی آزمی و در اوج شرمندگی از ملیت خود بی شرمانه به تابعیت آمریکا درآمده و در مراسم رسمی و قانونی سوگند شہروندی آمریکا را در دادگاه قرائت کرده و با صراحت ابراز داشته اند: تا ضمن تابعیت از قانون اساسی و قوانین ایالات متحده هرگونه تعهد و وفاداری به کشور قبلی خود را وا گذاشته و در صورت جنگ و برای کمک به نیروهای مسلح آمریکا سلاح به دست گرفته و برای آمریکا بجنگد! (1)

علی رغم این آیا مسئولین محترم در داخل کشور تصور می فرمایند آنها که در داخل کشور مانده و بر تابعیت ملی و میهنی خود ملتزم و متعهد مانده اند مانائی و پایائی شان بر ملیت و ایرانیت شان از سر درد و غیرت و شرف بوده!؟

در شرف فروشی دو تابعیتی ها تردیدی نیست اما این بمعنای شرافتمندی فله ای جمیع ایرانیان به صفت ماندگاری شان بر ملیت و کشورشان نیست. فرصت و عرضه اش را نداشته اند والا بموقع خوش می خرامند و به نیم آوائی بکفایت و مهارت در زمین اجنبی خواهند رقصید! آنها که در ایران مانده و بر تابعیت ملی خود استواری کرده اند هیچ فضیلتی بر آن شرف فروشان ترک تابعیت کرده، ندارند.

مصیبت آن نیست که دو تابعیتی ها بی شرف اند! مصیبت اصلی آن است که حرمت خدمت و شرف خیانت در ایران سکه یک پول شده و آن چه که در این میان مفقود مانده خاستگاه اخلاق و معرفت و فضیلت است.

شرف انسان به تابعیت ملی و خاستگاه میهنی اش نیست. فضیلت و اخلاق و معنویت و شعور و انسانیت و حریت با محل تولد به انسان تنقیه نمی شود!

پارسائی و رستگاری، شعور و آداب دانی، اخلاق و عیاری و انسانیت و غیرت مندی محصول تهذیب نفس و مکاشفه و مراقبه و تهجد و تعبد و تقید عملی به منهیات و مستحبات و مکروهات و محرّمات عقلی و شرعی و اخلاقی است.

بدین منوال ایرانی بودن بالذات واجد هیچ ارزشی نیست تا بتوان برای ترک تابعیت یا حفظ تابعیت «ایرانی» تخصیص ارزش یا ضد ارزش کرد.

اعتبار انسان به شرف و شعور انسان است که در گرو هیچ تابعیتی قرار ندارد.

مسئولین محترم کشور اگر دغدغه منافع و مصالح کشور از گزند دو تابعیتی ها را دارند قبل از آنکه با ذره بین بدنبال یا بش درخت در جنگل باشند! همان دو تابعیتی های مشهود و موجود در ایالات متحده را با توسل به ماده ۹۸۹ قانون مدنی از طریق مصادره اموال غیر منقول شان نقره داغ کنند تا اولا آمریکائی شدگان مزبور تقاص خوشرقصی در زمین اجنبی را با پرداخت هزینه ما به ازا کنند و از سوی دیگر با دولت ایالات متحده که وقت و بی وقت به خودش اجازه می دهد اموال و دارائی های ایران را به بهانه هائی کاذب مصادره کند اینک و از طریق جوجیستو کردن (□□) مقابله به مثل کرده تا آنگاه هم از انرژی حریف علیه خودش و در زمین خودش بهره ببرد و هم به آن وطن فروشان آمریکائی شده نشان دهد آیا دولت کشور جدیدشان حاضر هست در مقام دفاع از حق و حقوق این شهروندان درجه چهلّم آمریکا برآید؟! (2)

1 - ماده ۹۸۹ قانون مدنی ایران: هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تابعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می شود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقوله او با نظارت مدعی العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش، قیمت آن به او داده خواهد شد و بعلاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت

مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.

2 – جوجیتسو در ترمینولوژی ژاپنی به استفاده از نیروی حریف علیه خودش و در زمین خودش اطلاق می شود